

مشارکت اجتماعی در پهنه مرکزی تهران:

با تأکید بر نهادهای مردم‌مدار و شوراییاری‌ها^۱

شیرین احمدنیا^۲

آتنا کامل قالیباف^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۱/۳۱

چکیده

اداره شهر فقط در نهادهای رسمی مدیریت شهری خلاصه نمی‌شود. در این پژوهش، بحث درباره مشارکت با تمرکز بر دو نهادی صورت می‌گیرد که نقش مهمی در جلب مشارکت‌های مردمی دارند: سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان نماینده‌ای از جامعه مدنی و شوراییاری‌ها به‌عنوان نماینده‌ای از دولت محلی. هدف این پژوهش بررسی تجربیات و تلاش‌های عینی پیرامون جلب مشارکت‌های مردمی در پهنه مرکزی شهر تهران (مناطق ۶، ۷، ۱۱ و ۱۲) است. روش تحقیق کیفی است و از تکنیک مصاحبه عمیق برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. مصاحبه‌ها با یازده نفر از مسئولان سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین هشت نفر از اعضای شوراییاری محلات انتخابی در مناطق مرکزی تهران انجام گرفته است. پس از پیاده‌کردن تمام مصاحبه‌ها، تحلیل از طریق کدگذاری دستی داده‌ها براساس مقولات مشخص شده از قبل صورت پذیرفت. براساس یافته‌های این پژوهش، تعامل مثبت و سازنده‌ای میان سازمان‌های مردم‌نهاد و شوراییاری‌ها از یک‌طرف و میان این دو نهاد با بخش دولتی و حکمرانی شهری از طرف دیگر ایجاد نشده است. سازمان‌های مردم‌نهاد تخصصی و شوراییاری‌ها که هر دو درباره مشکلات و مسائل اجتماعی و شهری آگاهی و شناخت خوبی دارند، در روابط قدرت نهادهای شهری و دولتی، جدی گرفته نمی‌شوند. در محلات قدیمی تهران به‌ویژه در مناطق ۱۲ و ۱۱، حس تعلق به فضاهای محلی کم شده است. بخشی از این مسئله به‌دلیل انباشته‌شدن آسیب‌های اجتماعی، زوال سرمایه اجتماعی محلی و مهاجرت ساکنان قدیمی به محلات بهتر است. نبود تعلق خاطر و کاهش سرمایه اجتماعی محلی، عدم مشارکت را به همراه می‌آورد.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی، سازمان‌های مردم‌نهاد، شوراییاری، محله، مشارکت مردمی.

۱. مقاله مستخرج از طرحی پژوهشی است که به سفارش مهندسین مشاور معماری و شهرسازی فرهنگ در تابستان ۱۳۹۴ انجام گرفته است.

۲. عضو هیئت‌علمی گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)،
shirin.ahmadnia@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، atena.kamel@gmail.com

مقدمه

پیچیدگی جوامع شهری و تنوع عرصه‌ها و موضوعات موجود در سطح شهر، از جمله محیط‌زیست، فضای عمومی، اوقات فراغت شهروندان، توسعه آموزش و بهداشت، رفاه اجتماعی، توجه به آسیب‌های اجتماعی و... نشان می‌دهد بدون همکاری همه گروه‌ها و سازمان‌های مردمی و دولتی، امکان دستیابی به شهری سالم امکان‌پذیر نیست. در این پژوهش، بحث از مشارکت با تمرکز بر دو نهادی صورت می‌گیرد که نقش مهمی در جلب مشارکت‌های مردمی در سطح جامعه دارند: سازمان‌های مردم‌نهاد و شورایاری‌ها.

از دهه‌های پیش، سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران با هدف کاهش حجم مشکلات شهرها و روستاها رشد یافته‌اند. این سازمان‌ها خدمات متنوعی در ابعاد اجتماعی، حقوقی، بهداشتی، جنسیتی و زیست‌محیطی ارائه می‌دهند و سه نقش مهم در اداره شهرها بر عهده دارند: ۱. توانمندسازی نیروهای اجتماعی، ۲. میانجی‌گری بین مردم و مقامات حکومتی، ۳. مشاوران نهادهای دولتی برای تغییر سیاست‌گذاری (طهماسبی‌فر، ۱۳۸۶: ۲۶). سازمان‌های مردم‌نهاد به‌طور مستقیم و داوطلبانه در حوزه‌ها و مسائلی وارد می‌شوند که خدمات دولتی آن را پوشش ندهاند یا پوشش مناسبی برای رفع مشکل ایجاد نشده است.

همچنین، بیش از یک دهه از عمر شورایاری محلات در ایران می‌گذرد؛ شورایی مردمی^۱ که با هدف تسهیل سازوکارهای حل مشکلات محلی با رویکرد مشارکتی ایجاد شد. شورایاران در سطح محلات از طریق ارتباط مستقیم با ساکنان محلی و از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد باید نیازمندی‌ها، کمبودها و محدودیت‌های محله را شناسایی کنند. از آنجاکه شورایاری ضمانت اجرایی ندارد، مشکلات باید با تعامل با دستگاه‌های اجرایی حل شوند. ماهیت وظایف شورایاری فقط جنبه شناسایی، نظارتی، مشورتی و همکاری دارد. سازمان‌های مردم‌نهاد هم در شناسایی مشکلات و هم در ارائه خدمات مشاوره برای پیدا کردن راه‌حل مناسب و حتی تا حدودی در اجرا می‌توانند به کمک شورایاری بیایند. در واقع، این نهادها به‌دنبال ادغام هرچه بیشتر شهروندان در نظام اجتماعی هستند و این هدف در مسیر توسعه مشارکت اجتماعی مردم و دخالت آن‌ها در امور جامعه مدنی است. پرسش محوری پژوهش این است که سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جامعه مدنی و شورایاری‌ها به‌عنوان مدیران محله، تا چه حد در تقویت مشارکت‌جویی مردم - که از اهداف اصلی آن‌هاست - موفق بوده‌اند.

۱. طبق ماده ۲ اساسنامه انجمن‌های شورایاری مصوب شورای اسلامی شهر تهران: «شورایاری، انجمنی غیردولتی، غیرمتمرکز، غیرسیاسی، داوطلبانه و مشارکتی و از جهت اقتصادی خودگردان می‌باشد.»

در پژوهش حاضر، تجربیات و تلاش‌های عینی این نهادها در جلب مشارکت‌های مردمی در پهنه مرکزی شهر تهران بررسی شده است.^۱ مناطق مورد بررسی شامل مناطق ۶، ۷، ۱۱ و ۱۲ می‌شود.

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی: تحقیقات و پژوهش‌های بسیاری در زمینه مشارکت، در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در ایران صورت گرفته است. در پژوهش‌هایی با محوریت مشارکت اجتماعی و شهری به‌طور عمده موانع شکل‌گیری مشارکت محلی عواملی مانند عدم شکل‌گیری مفهوم شهروندی (صادقی، ۱۳۹۲)، از بین رفتن هویت محله‌ای به دلیل کالایی شدن زمین (مدنی‌پور، ۱۳۸۱) و رویکرد دولت به تشکلهای اجتماعی (بیات، ۱۳۹۰) بوده است.

صادقی (۱۳۹۲) به عدم شکل‌گیری مفهوم شهروندی اشاره دارد و بیات (۱۳۹۰: ۹۱) نیز معتقد است «در ایران شبکه‌های اجتماعی فراتر از پیوندهای خویشاوندی و قومی هنوز بسیار مقطعی، ساختاریافته و قیم‌مآب‌اند. ضعف همکاری مدنی یا غیرخویشاوندی در سطح محلی، باعث تقویت مناسبات سنتی سلسله‌مراتبی و قیم‌مآب با افرادی می‌شود که به رهبران محلی، حلالان مشکلات و حتی قلدران محله وابسته‌اند و نه به فعالیت‌های اجتماعی با مبنای وسیع». در نتیجه، طبقات فرودست از مشکلات محیطی آگاه‌اند، اما به فعالیت جمعی، خواه از طریق فعالیت محله‌ای برای بهبود محله و خواه از طریق رفتارهای اعتراضی به مقامات، کمتر روی می‌آورند و مسائل اغلب به‌طور فردی حل می‌شود.

به زعم اتحادیه (۱۳۷۷) نخستین محله‌های شهر تهران که در اوایل دوره ناصری شکل گرفت، بیش از آنکه بازنمای قدرت طبقاتی افراد باشد، براساس هویت‌های قومی - قبیله‌ای شکل گرفته بود. چنانکه ترک‌زبانان در یک محله، عرب‌ها در محله‌ای دیگر و بختیارها در محلات خود زندگی می‌کردند. براساس اولین نقشه‌های تهران، حتی نام برخی از کوچه‌ها و محلات براساس نام آن قوم یا بزرگ آن قوم انتخاب می‌شد.

این صورت‌بندی محله‌ای تا اوایل دوره قاجار ادامه داشت تا اینکه با ادغام ایران در بازار جهانی و نقدینه‌کاری محصولات کشاورزی و توسعه روابط سرمایه‌داری جدایی فضایی مشهودتر شد. این جدایی آثار خود را بر روابط همسایگی و محلی بر جای گذاشت. سپس زمین آرام‌آرام به کالایی برای مبادله تبدیل شد. بنا به نظر مدنی‌پور (۱۳۸۱: ۲۹۵)، این مسئله در سال‌های بعد به کالایی شدن زمین^۲ منجر شد. از آن پس، محل سکونت افراد را نه روابط قومی یا احساس تعلق به

۱. براساس تعریف شهرداری تهران، پنج پهنه اصلی برای شهر تعریف شده است که شامل شرقی، غربی، شمالی، جنوبی و مرکزی می‌شود.

محلی خاص و هویت محله‌ای، بلکه میزان درآمد فرد تعیین می‌کرد. با شدت یافتن روند ادغام ایران به‌عنوان حاشیه‌ای در بازار جهانی، محلات هویت محلی خود را از دست دادند و دوگانه بالای شهر - پایین شهر جای تقسیم‌بندی محله‌ای را گرفت. بعد از آن، طبقه فرودست به جنوب شهر رانده شد و طبقه فرادست به شمال آن نقل مکان کرد. این دوگانه امروز بیش از پیش تعمیق یافته است تا جایی که دیگر هویت محلی واقعی به‌ندرت دیده می‌شود. افراد با کسب سرمایه بیشتر، به خانه‌های مناطق بالاتر شهر نقل مکان می‌کنند. نبود این هویت محلی و حس نوستالژی به آن، مسئولان و متولیان امر را بر آن داشته است تا به‌صورت مصنوعی و از بالا به پایین هویت محلی را به ساکنان شهر تزریق کنند. از این‌رو، در یک دهه اخیر با موجی از طرح‌ها و پروژه‌های محله‌محور از سوی نهادهای متولی امر شهر مانند شهرداری و شوراهای شهر مواجه بوده‌ایم.

آصف بیات (۱۳۹۰: ۱۰۴) در بررسی کشورهای خاورمیانه یکی از موانع مشارکت محلی را رویکرد دولت‌ها دانسته است: «در این کشورها، دولت از یک‌طرف از سیاست‌های جلب مشارکت مردمی حمایت می‌کند و از طرف دیگر تشکل‌های ایجادشده را تحت کنترل خود درمی‌آورد و امکان استقلال تشکل‌ها وجود ندارد.» به اعتقاد بیات، دولت تا جایی حمایتگر است که ان‌جی‌اوها (سازمان‌های مردم‌نهاد) از مسئولیت اجتماعی - خدماتی دولت و رشد فقر بکاهند. در عین حال، سازمان‌های مردم‌مدار دائم به‌لحاظ منابع مالی خود مورد شک و اتهام هستند و پیشبرد رویکردی مستقل برای آن‌ها دشوار است.

همچنین، بیات در نگاهی آسیب‌شناختی به ساختارهای درونی سازمان‌های مردم‌نهاد و مشکلات آن در زمینه جلب مشارکت اعضا اظهار داشته است: «ان‌جی‌اوها، به‌خصوص از نوع انجمن‌های رفاهی نشان از نگرش و ساختار قیم‌مآب آن‌ها دارد» (همان). به زعم وی، قیم‌مآبی هم در سازماندهی درونی از بالا به پایین ان‌جی‌اوهای محلی و هم در رابطه آن‌ها با مشتری‌ها بازتاب پیدا می‌کند. یک یا دو نفر تصمیمات اصلی را در ان‌جی‌اوها می‌گیرند و هیئت‌مدیره و کارمندان به‌ندرت در تصمیمات مشارکت می‌کنند. به‌علاوه، با ازبین‌رفتن روحیه داوطلبی، کار در ان‌جی‌او برای کارمندان آگاه به موقعیت خود، اما با درآمد کم، چیزی بیش از یک تجربه کاری کسل‌کننده نیست. ان‌جی‌اوهای قیم‌مآب مشتری‌هایشان را بیشتر به چشم دریافت‌کنندگان کمک می‌بینند تا مشارکت‌کنندگان در توسعه. ان‌جی‌اوها اغلب به‌دلیل «الطاف» و خیرخواهی‌شان انتظار وفاداری، حمایت و خدمت دارند. نکته دیگر اینکه مشتریان ان‌جی‌اوها برخلاف اتحادیه‌ها و تعاونی‌ها، عضو

آن نیستند و در نتیجه نمی‌توانند از آن به دلیل عدم کفایت بازخواست کنند. همین رابطه هم میان ان‌جی‌اوه‌های محلی و اهداکنندگان مالی آن‌ها وجود دارد و در نتیجه ان‌جی‌اوها به مشتریانشان پاسخگو نیستند، بلکه به اهداکنندگان خود پاسخگو هستند.

حال این پرسش مطرح می‌شود: آیا ان‌جی‌اوه‌های کنونی از نظر ساختاری می‌توانند مشوق مشارکت توده‌ای برای توسعه معنادار باشند؟

نقش سازمان‌های مردم‌مدار و میزان قابلیت آن در جلب مشارکت در راستای توسعه، در پژوهش کلانتری و پروین (۱۳۹۲) بررسی شده است. به زعم آن‌ها، مشارکت اجتماعی به معنی سنتی آن در بطن و بستر جامعه ایران وجود دارد و بسیاری از امور مردم مانند اعیاد و مراسم مذهبی را خود آن‌ها انجام می‌دهند، ولی مسئله اینجاست که این مشارکت سنتی رنگ و بوی مدرن به خود نگرفته است و مدیریت شهری نتوانسته است از وجود این بسترها و ظرفیت‌ها برای حل مسائل و آسیب‌های شهری استفاده کند (کلانتری و پروین، ۱۳۹۲: ۳۴۸).

موضوع دیگر مورد توجه آن‌ها در زمینه مشارکت شهروندی، مشارکت صداهای خاموش و آسیب‌پذیر در شهر تهران است. براساس یافته‌های آن‌ها، صداهای خاموش مانند کودکان، معلولان، زنان و سالمندان، کمترین مشارکت اجتماعی را در بین گروه‌های شهری در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی در تهران دارند. این مسئله به‌ویژه برای معلولان شدیدتر است، به طوری که معلولان ناخواسته از تردد در فضاهای عمومی خودداری می‌کنند (همان: ۳۴۹).

نتایج پژوهش موسایی (۱۳۸۶) نیز نشان می‌دهد تمایل پایین به مشارکت در شهر تهران پدیده‌ای دو جانبه از سوی مردم و شهرداری است. وی معتقد است رشد بی‌رویه تهران و تجمع جمعیت ده میلیون نفری، سنت‌های خاص و بومی این شهر را از بین برده و بافتی چندفرهنگی یا حتی ذره‌ای ایجاد کرده است که در آن شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی مثل خانواده و خویشاوندان، به مراتب قوی‌تر از شبکه‌های برون‌گروهی هستند؛ موضوعی که برای مشارکت اجتماعی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بسیار مضر است. در بدنه مدیریتی شهرداری تهران نیز نوعی عدم پاسخگویی در برابر شهروندان وجود دارد و برخی از مدیران تصور می‌کنند با دخالت مردم در امور شهری، کارایی مدیریتی آن‌ها زیر سؤال می‌رود. بحث مشارکت در بدنه شهرداری نهادینه نمی‌شود و فقط جنبه شعاری دارد. ضمن اینکه قوانین و مقررات اجرایی و دستورالعمل‌های مشارکتی در بین مدیران ارشد و میانی مشاهده نمی‌شود (موسایی، ۱۳۸۶)

تحقیقات خارجی: ناتاویتسیت^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «توسعه اجتماعی مشارکتی: نمونه‌هایی از تایلند» نتیجه گرفته‌اند بسیاری از پروژه‌های توسعه با رویکرد «مشارکتی» در تایلند، موفق به جلب مشارکت‌های مردمی نشدند. در اغلب این نمونه‌ها، ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی موانع اصلی بودند. در این میان، توسعه‌گرانی که شناخت اندکی دربارهٔ بافت محلی داشته‌اند، در ایجاد انگیزه برای مشارکت توفیق کمتری داشته‌اند. جلب مشارکت در تایلند به دلیل ماهیت سلسله‌مراتبی این جامعه و سیستم قوی حمایتی آن، همواره با چالش مواجه بوده است. ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی زیادی هستند که مانع تعامل مردم می‌شوند. در نتیجه، بسیاری از پروژه‌های توسعه مشارکتی توفیق چندانی در جلب مشارکت مردم محلی نداشته‌اند. با این حال، به نمونه‌هایی اشاره شده است که علی‌رغم فرهنگ بازدارندهٔ پیروی از مافوق، موفق به جلب مشارکت مردمی شدند. بررسی این نمونه‌ها نشان می‌دهد سازوکار ترغیب به مشارکت شامل سه فاکتور مهم می‌شود: کنشگر (عزت نفس)، کنش (تعامل اعضای گروه در کل فرایند توسعه) و همکاری یا ائتلاف (مدیریت نقش‌ها، قوانین و راه‌حل‌ها).

این سازوکار شامل ارتقای ظرفیت «کنشگران» برای نشان‌دادن «کنش» با کمک و راهنمایی خبرگان و معتمدان محلی ذیل برنامه‌ای فراگیر و زیر چتر شبکه‌های «ائتلاف و اتحاد» ایجاد می‌شود تا بدین ترتیب اجتماعی محلی را توسعه دهد.

معمولاً به دلیل عزت نفس پایین بسیاری از اعضای یک اجتماع، کنش آن‌ها وابسته به گرفتن دستور یا دستورالعمل از طرف مقامات است. این مقامات در بسیاری از مواقع درک عمیقی دربارهٔ بافت محلی ندارند. به علاوه، با تغییر قدرت، سیاست‌ها و برنامه‌ها هم عوض می‌شوند و پروژه‌ها نیمه‌تمام باقی می‌مانند. در واقع، مشکل از کمبود ظرفیت و قابلیت محلی نیست، بلکه مسئله نگرش وابسته‌ای است که در سیستم مشتری- حامی^۲ ریشه دارد و از میزان مداخلهٔ مردم در فرایندهای توسعه می‌کاهد. بر این اساس، سازوکارهای تقویت خوداتکایی پیشنهاد می‌شود؛ یعنی درگیرکردن مردم در فرایند پیشبرد یک اقدام توسعه‌ای که شامل چشم‌انداز یا خط‌مشی^۳، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی می‌شود. هرچه درگیری و مشارکت مردم بیشتر باشد، خوداتکایی بیشتر و وابستگی به دیگران کمتر می‌شود. نتایج بررسی‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد مداخلهٔ دولت در توسعهٔ محلی، در نهایت نه تنها به نفع محلات نیست، بلکه موجب می‌شود ساکنانی منفعل و وابسته بازتولید شوند که برای هر کاری متکی به عاملی خارجی (دولتی) هستند.

1. Nuttavuthisit
2. patron-client
3. vision

دیواین (۲۰۰۶) در پژوهش «سازمان‌های اجتماع‌محور: مد روز یا سنتی قدیمی؟» از تجربه زنان خویش‌فرما در هند سخن می‌گوید. در این پژوهش، یکی از پارادوکس‌های توسعه مداخله‌ای، جدایی فضای ذهنی و تجربی تصمیم‌گیرندگان دانشگاهی از مردم عادی و به‌ویژه فرودستان است. معمولاً دانشگاهیان و فعالان از زندگی و وضعیت فقرا و به حاشیه‌رانده‌شدگان جدا باقی می‌مانند. رویکرد «مواجهه و گفت‌وگو» که روش این پژوهش بوده است، با هدف اصلاح این پارادوکس، به طیف وسیعی از روش‌های یادگیری توجه می‌کند. این رویکرد بر چهار روش به هم مرتبط استوار است: مواجهه، بازتاب، گفت‌وگو و کنش. مواجهه و بازتاب فرصتی را برای کارشناسان ایجاد می‌کند تا ماهیت انتزاعی روابط و واقعیت‌هایی که با تحقیق و مداخله قصد تغییر آن‌ها را دارند، شخصی‌سازی کنند و در بافت و زمینه اصلی‌شان مطالعه کنند.

مبانی نظری

به عقیده ایمانی جاجرمی (۱۳۸۶) توانایی حکومت‌کردن^۱ دولت‌ها با تغییر شرایط و افزایش مسائل و مشکلات در حیطه‌های مختلف کاهش پیدا کرده است. این شرایط موجب بازاندیشی صاحب‌نظران در روش‌های مرسوم شده است. رویکرد حکمرانی^۲ از رویکردهای مطرح و تقریباً جدید است که سه مقوله اصلی را بررسی می‌کند: ۱. در سطح جامعه، قدرت چگونه اعمال می‌شود؟ ۲. در سطح جامعه، تصمیمات چگونه گرفته می‌شود؟ ۳. شهروندان چگونه خواسته‌ها و دیدگاه‌هایشان را ابراز می‌کنند؟ در این الگوی جدید تلاش می‌شود پاسخ‌هایی متفاوت از روش‌های مرسوم - که براساس اقتدار بی‌چون و چرای دولت بوده است - عرضه شود. در این رویکرد، سه عنصر دولت محلی، بخش خصوصی و جامعه مدنی در جامعه شهری مهم می‌شود (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۲: ۵۴). «در واقع حکمرانی در سطح شهر به مجموع شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها نهادهای عمومی و خصوصی امور مشترکشان را برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کنند. یعنی حکمرانی شهری تنها به نهادهای رسمی مدیریت شهری خلاصه نمی‌شود. تمامی بازیگران عرصه امور عمومی شهر، یعنی سازمان‌های رسمی، گروه‌های غیررسمی، نهادهای بخش خصوصی و البته سرمایه اجتماعی شهروندان در محدوده آن قرار می‌گیرد» (همان: ۵۴). برنامه اسکان بشر ملل متحد (۲۰۰۲)، فرایند حکمرانی شهری را پاسخی کارآمد و مؤثر در برابر مشکلات شهری تعریف می‌کند.^۳

1. Governability

2. Governance

۳. برای اطلاعات بیشتر درباره حکمرانی ر.ک:

در نتیجه، حکمرانی شهری با شکل‌های قدیم حکومت متفاوت است، زیرا عواملان مدیریت فقط بخش عمومی نیستند، بلکه بخش‌های خصوصی و داوطلب نیز در مدیریت دخیل‌اند. این عواملان در شبکه‌های مدیریت و مشارکت‌های مستقل از دولت عمل می‌کنند (لاله‌پور، ۱۳۸۶: ۶۲)؛ برای مثال، سازمان‌های مردم‌نهاد به‌مثابه میانجی‌گر بین مردم و مقامات دولت نقشی تعیین‌کننده در کاهش تصدی‌گری حوزه‌های دولتی و شهرداری و سازمان‌های ذی‌ربط دارند.

مدیریت شهر به شیوه حکمرانی در عمل با میدان‌دادن به منابع و سرمایه‌های بخش خصوصی و جامعه مدنی، زمینه را برای مشارکت شهروندان مهیا می‌کنند که به افزایش کارایی و بازده در امور شهری می‌انجامد. این بسترسازی برای حضور شهروندان در عرصه‌های شهری، مسبوق به وجود حوزه‌های عمومی و در نتیجه آن پیدایش فضاها عمومی مستقل است.

در رویکرد حکمرانی، دیدگاه غالب این است که فضاها عمومی عاملی برای شکل‌دهی به روابط اجتماعی و جهان زیسته هریک از کنشگران است و کنشگران هم بر این فضاها تأثیر می‌گذارند (ظهور نسل جدیدی از نظریات شهری مثل هاروی، ۱۹۸۲؛ سوچا، ۱۹۸۹؛ لوفور، ۱۹۷۴؛ مسی، ۱۹۹۴). رویکردهای جدید در مطالعه شهر بر پایه رویکرد مطالعاتی مشترکی بنا شده‌اند که عبارت‌اند از: مطالعه مناسبات میان فضا، فرهنگ، دولت، جنبش‌های اجتماعی نوظهور و توسعه سرمایه‌داری. دیدگاه‌های امروزی درباره فضا به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱. فضا ترکیبی از محیط و فرهنگ محسوب می‌شود، نه فقط محیطی خنثی؛
۲. فضاها در جامعه مدرن به‌شکل کالا درآمده‌اند و مصرف می‌شوند؛
۳. مصرف فضاها نوعی مصرف منفعل نیست، بلکه مصرف‌کنندگان به فضای مورد مصرف خود معنا و کاربرد دلخواه و مورد نیاز خود را می‌دهند و از آن طبق نظر خود بهره‌برداری می‌کنند و در این مورد بسیار خلاق‌اند، به طوری که برخی از صاحب‌نظران این حوزه، این فرایند را «تولید فضا» می‌نامند.
۴. این مصرف معنادار و تأثیرگذار در متن زندگی روزمره اتفاق می‌افتد و مشاهده آن مستلزم دقت در زندگی روزمره است.

شهروندان نسبت به شهر حقی دارند که به‌طور عمد نادیده گرفته می‌شود. لوفور، جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی، در سال ۱۹۶۸ برای اولین بار از حقی سخن گفت که شاید تا آن زمان از نظرها دور مانده بود: حق شهر.^۱ از ایده حق شهر خوانش‌های متفاوتی ارائه شده است، اما درکل

می‌توان گفت منظور حق مردم در دسترسی به امکانات شهری و بالاتر از آن حق برخورداری از دموکراسی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌هاست. باید به حق شهر مانند حق مالکیت، حق رأی، حق آزادی، حق کار و... توجه شود و این مسائل در اولویت قرار گیرد. بدیهی است برای جلب مشارکت‌های مردمی در شهر، نخستین موضوع، دادن حق انتخاب و تصمیم‌گیری است. مردم تا زمانی که احساس محق‌بودن و تأثیرگذاربودن نداشته باشند، کمتر به سمت مشارکت کردن می‌روند.

اعتقاد کلی بر این است که مشارکت شهروندی از طریق فرایند یادگیری در عمل^۱، درون فضاهای عمومی شکل می‌گیرد. حوزه عمومی^۲ از نظر هابرماس، قلمرویی از زندگی اجتماعی است که در آن چیزی شبیه به افکار عمومی شکل می‌گیرد. در هر گفت‌وگویی که تعدادی از افراد گرد هم می‌آیند، بخشی از این حوزه عمومی تشکیل می‌شود. حوزه عمومی جایی است که در آن جامعه شکل می‌گیرد یا دست‌کم عرصه‌ای است که آرزوهای جمعی با نگاهی به آینده پدید می‌آیند (هاجر و ریاندورپ، ۲۰۰۱: ۱۲). صاحب‌نظران علوم اجتماعی معتقدند علت علاقه‌نداشتن شهروندان به مشارکت در امور شهری، استعمار عرصه عمومی توسط عرصه خصوصی (خانه) یا عرصه دولتی است؛ یعنی کارکردهای عرصه عمومی به درون خانه‌ها رفته یا عرصه عمومی تحت سلطه دولت درآمده است.

به عقیده رضایی (۱۳۷۵: ۵۴)، مشارکت اجتماعی در فضاهای عمومی^۳ رخ می‌دهد که با درگیرکردن تعداد زیادی از مردم در اداره امور جامعه، ثبات و نظم را افزایش می‌دهد و با ارائه فرصت اظهار عقیده به هر شهروند مصلحت اکثریت را تأمین می‌کند. رشد تشکلهای و نهادهای اجتماعی خرد، داوطلبانه و غیرسیاسی موجب شکل‌گیری مفهوم «مشارکت»، «شهروند فعال» و «فضای عمومی» و به تبع آن «علاق عمومی» و «هویت اجتماعی» مبتنی بر علائق عمومی می‌شود و این مسئله در جوامع کنونی جهان سوم که در معرض فشارهای مضاعف به‌ویژه فرایند جهانی‌شدن و رشد علائق منطقه‌ای و محلی قرار دارند، بسیار حیاتی است.

هرچند در ایران درباره فواید مشارکت شهروندی مباحث بسیاری مطرح شده است، در عمل شهروندی با حقوق و مسئولیت‌های مشخص که امکان تمرین عملی مشارکت را در زندگی روزمره داشته باشد، چندان محقق نشده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی و نیز مطالعه اسنادی انجام گرفته است.

برای سنجش و فهم برخی موارد از روش اسنادی استفاده شده است که عبارت‌اند از:

۱. آمارهای کلی مربوط به محله، ناحیه، منطقه و ابعاد اجتماعی، جمعیتی و کالبدی درون آن‌ها؛
۲. آمارهای مرتبط با انجمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی، خیریه‌ها، پایگاه‌های بسیج و دیگر مشارکت‌های مردمی.

۳. داده‌های مربوط به شرایط اجتماعی، اماکن و سازمان‌های مختلف در مناطق که اغلب در نیم‌رخ محلات وجود دارد؛

۴. داده‌های مربوط به نظرسنجی‌های صورت‌گرفته در مناطق تهران.

در روش کیفی از تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته استفاده شده است که شامل موارد زیر می‌شود:

۱. مصاحبه با مسئولان ان‌جی‌اوهای موفق در مناطق مرکزی تهران؛

۲. مصاحبه با دبیران شورایی هشت محله انتخابی چهار منطقه پهنه مرکزی تهران.

از آنجاکه هدف پژوهش بررسی تجربیات و تلاش‌های شکل‌گرفته پیرامون جلب مشارکت‌های مردمی است، یازده تشکل مردمی در چهار منطقه مرکزی تهران بررسی شده است. از هر منطقه، دو سازمان مردم‌نهاد انتخاب شد. در این راستا، ان‌جی‌اوهای انتخاب شدند که سابقه فعالیت بیشتری داشته‌اند، به‌لحاظ عملکردی در حیطه فعالیت خود موفق عمل کرده‌اند و به‌نوعی با آسیب‌های اجتماعی در شهر (کارتن‌خوابی، اعتیاد، کودکان کار و...) مرتبط بوده‌اند. علاوه بر این هشت تشکل اجتماعی، با سه تشکل مرتبط با امور شهری نیز مصاحبه شد.

مدت زمان مصاحبه‌های صورت‌گرفته به‌طور متوسط ۴۰ دقیقه بوده است. ان‌جی‌اوهای

اجتماعی منتخب به تفکیک منطقه عبارت‌اند از:

➤ منطقه ۶: مؤسسه احیای ارزش‌ها و مؤسسه مهر طه،

➤ منطقه ۷: بنیاد کودک و بنیاد دانش،

➤ منطقه ۱۱: حسینیه قهرودی‌ها و مؤسسه طلوع بی‌نشان‌ها،

➤ منطقه ۱۲: جمعیت امام علی و مؤسسه کوشا.

در این زمینه، هم مؤسسات مدرن مردمی و ان‌جی‌اوها پوشش داده شد و هم با مؤسسات سنتی‌تر مثل حسینیه و خیریه‌ها صحبت شد. ان‌جی‌اوهای شهری شامل نفس، کمیته پیگیری حفاظت از خانه‌های تاریخی تهران و باهمستان هستند. در جدول ۱، حیطه فعالیت هر سمن به‌طور خلاصه آورده می‌شود.

جدول ۱. حوزه فعالیت سازمان‌های غیردولتی

عنوان سازمان‌های غیردولتی	سال تأسیس	حوزه‌های فعالیت
احیای ارزش‌ها	۱۳۷۸	- کمک به کاهش روند آسیب‌های اجتماعی با محوریت مبتلایان به HIV و کودکان توان‌یاب جسمی و حرکتی.
مهر طه	۱۳۸۱	- حمایت و نگهداری شبانه‌روزی از دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست.
بنیاد کودک	۱۳۷۴	- حمایت از کودکان مستعد و نیازمند در زمینه تحصیل.
بنیاد دانش	۱۳۹۱	- یاری‌رسانی به دانش‌آموزان و دانشجویان یتیم، بی‌بضاعت و مستعد تحصیل.
حسینیه قهرودی‌ها	از سال ۱۳۳۱ به‌طور محدود و از سال ۱۳۶۳ به‌طور سازمان‌یافته	- کمک به مستضعفان مالی (خانوارهای بی‌سرپرست، زنان سرپرست خانوار، بیماران، گاهی هم زندانیان غیرعمد) از طریق خیریه کوثر و صندوق قرض‌الحسنه.
طلوع بی‌نشان‌ها	۱۳۸۸	- حامی تخصصی افراد درگیر با معضل کارتن‌خوابی و اعتیاد. مراحل کار: جذب کارتن‌خواب‌های مایل به ترک‌کردن موادمخدر، درمان (سم‌زدایی)، سرپناه (شش ماه در سراهای مؤسسه)، آموزش، اشتغال، بازگشت به خانواده و بازگشت به جامعه.
جمعیت امام علی	۱۳۷۸	- آموزش و بهداشت کودکان نیازمند، ایجاد اشتغال برای زنان سرپرست خانوار.
کوشا	۱۳۷۸	- تحصیل کودکان کار (زیر ۱۸ سال) ایرانی و افغانستانی و کارآفرینی برای مادران کودکان کار.
نفس	۱۳۹۳	- یادآوری وظیفه شهروندی در قبال آلودگی هوای تهران با فعالیت‌های زیباشناسانه و هنری مثل دیوارهای نقاشی عمومی.
باهمستان	۱۳۹۳	- افزایش آگاهی عمومی درمورد پروژه‌های شهری و ایجاد فرصت مشارکت عمومی برای کاهش آثار منفی و افزایش آثار مثبت.
کمیته پیگیری حفاظت از خانه‌های تاریخی (بدون ثبت ان‌جی‌او)	۱۳۹۱	- جلوگیری از تخریب خانه‌های تاریخی تهران و شناسایی و ثبت خانه‌های تاریخی تهران در میراث فرهنگی.

در ارزیابی نقش شورایاری‌ها در مشارکت‌های عمومی و محلی، هشت محله از مناطق مرکزی تهران انتخاب شدند. معیار انتخاب، داشتن ویژگی‌های خاصی چون بعد تاریخی، سیاسی، اداری، دانشجویی، مسکونی و... در عین حال توجه به تنوع بوده است. محلات انتخابی از هر منطقه در جدول ۲ معرفی می‌شوند.

جدول ۲. محلات انتخابی هر منطقه و ویژگی‌های آنها

منطقه	محله	ویژگی‌های محله
	امامزاده یحیی	محله امامزاده یحیی از جمله قدیمی‌ترین محلات تهران است. عملکرد غالب این محله مذهبی- تجاری- فرهنگی است و از جمله ویژگی‌های آن باید به موارد زیر اشاره کرد: وجود بناهای ارزشمند تاریخی و بناهای با قدمت و خشتی- گلی، وجود مدرسه علمیه و راسته تجاری و نیز بناهای مربوط به اوایل دوره پهلوی (سند توسعه محله امامزاده یحیی، ۱۳۹۱).
۱۲	دروازه غار (هرندی)	محله «صابون‌پزخانه» قدیم یا «دروازه غار» چند دهه پیش و «هرندی» سال‌های اخیر نایب‌سامان‌ترین محله در مرکز شهر تهران است. فرسودگی بافت و بناها، کمبود خدمات شهری و تأسیسات زیرساختی، بهداشت نازل محیطی، رکود ارزش املاک و انواع نابهنجاری‌های اجتماعی، شرایط بحرانی را در این محله به وجود آورده است. همچنین، به دلیل بافت مذهبی محله بیشتر مراجع تقلید در این محله دفتر دارند (سند توسعه محله غار، ۱۳۹۱).
	عباسی	ساکنان ابتدایی این محله تنوع قومی داشتند. بعدها با مهاجرت ساکنان و مهاجرپذیری منطقه به علت قیمت تقریباً پایین مسکن، ساختار این محله نیز عوض شد (سند توسعه محله عباسی، ۱۳۹۱).
۱۱	راه آهن	محله راه آهن دروازه ریلی مسافران به شهر تهران است و همین مسئله موجب ایجاد ازدحام، ترافیک و مهم‌تر از همه تجمع معتادان در پارک امیریه، کنار راه آهن شده است.
	نیلوفر	این محله براساس وجود برخی مراکز اهمیت زیادی دارد؛ مانند مصلاهی بزرگ تهران (از نظر فیزیکی و اهمیت سیاسی)، سفارتخانه افغانستان، وزارت علوم- تحقیقات و فناوری، موزه رضا عباسی، مرکز معلولین ذهنی، شرکت آب و فاضلاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز گسترش سینمای تجربی و مستند، بازار روز عباس، مرکز مشاوره خانواده، اداره راهنمایی رانندگی، سفارت پاکستان، میدان نیلوفر و مسجدالرضا (سند توسعه محله نیلوفر، ۱۳۹۱).
	بهار	تمرکز اصناف مختلف و کاهش منازل مسکونی و روابط همسایگی (سند توسعه محله بهار، ۱۳۹۱).
	یوسف‌آباد	محله یوسف‌آباد از قدیمی‌ترین محلات منطقه شش شهرداری است. مؤسسه ژئوفیزیک، پارک و فرهنگسرای شفق و ساختمان شهرداری منطقه در میدان کلاتری از ویژگی‌های این محله به حساب می‌آیند. ساختار شطرنجی معابر اصلی و فرعی و وجود ترافیک پر حجم در معابر کم‌عرض نیز از مشخصات محله یوسف‌آباد است (سند توسعه محله یوسف‌آباد، ۱۳۹۱).
۶	قلزقلعه	انسجام محله‌ای به دلیل احداث بزرگراه کردستان در این محدوده بسیار کاهش یافته است. سرانه فضای سبز در محله قلزقلعه بسیار کمتر از حد استانداردهای شهری است. هم‌جواری با کوی دانشگاه و مجتمع‌های دانشگاهی موجب اهمیت سیاسی و فرهنگی این محله شده است (سند توسعه محله قلزقلعه، ۱۳۹۱).

در این راستا، در هر محله به باسابقه‌ترین و مطلع‌ترین عضو شوراییاری و اغلب دبیر شوراییاری رجوع شد که از وضعیت محله، مشکلات، نیازمندی‌ها، آسیب‌ها و تاریخچه محله اطلاع تقریباً خوبی داشتند.

پس از پیاده‌کردن تمامی مصاحبه‌ها، استخراج و کدگذاری نتایج براساس مقولات یا سرتیترهایی صورت گرفت که پیش‌تر از ادبیات نظری و تجربی پژوهش کسب شده بود. جملات مرتبط با هر مقوله دسته‌بندی شد و پوشه‌های موضوعی شکل گرفت. این سرتیترها به شرح زیر است: شیوه‌های جلب مشارکت مردمی در سمن‌ها، سازمان‌دهی درونی سمن‌ها، مشارکت میان سمن‌ها با حکمرانی شهری و بخش دولتی، تعامل مردم محلی با شوراییاری، پتانسیل محلات از دید شوراییاری و رابطه شوراییاری با سمن‌ها.

یافته‌های پژوهش

شیوه‌های جلب مشارکت‌های مردمی در سازمان‌های غیردولتی

اگر همکاری و مشارکت با ان‌جی‌اوها به دو دسته کلی مالی و خدماتی تقسیم شود، طبق نتایج سهم مردم این مناطق در کمک‌های مالی مستمر چندان زیاد نیست، زیرا پایگاه اقتصادی اغلب ساکنان این مناطق متوسط یا متوسط رو به پایین است. در همکاری‌های خدماتی، افراد با تخصص‌های مختلف به‌طور داوطلبانه با ان‌جی‌اوها همکاری می‌کنند. کمک‌های داوطلبانه از سراسر تهران صورت می‌گیرد.

درکل، جلب مشارکت مردمی در سطح وسیع از طریق شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک و اینستاگرام، سایت مخصوص ان‌جی‌او و برگزاری جشن و کمپین در مناسبت‌های مختلف در بیشتر سازمان‌های غیردولتی الگوی مشابهی دارد. درواقع، معرفی سازمان مردم‌نهاد در فضای مجازی بیش از عرصه عمومی و روابط مستقیم صورت می‌گیرد. همچنین، برخی از این مؤسسات، گروه‌های ویژه‌ای را برای جلب مشارکت هدف‌گیری کرده‌اند؛ برای مثال، مؤسسه مهر طه باشگاهی از داوطلبان ایجاد کرده است که به‌طور عمده زنان در گروه‌های مختلف عضو آن شده‌اند و مؤسسه برحسب نیازش به سراغ آن‌ها می‌رود. نمونه دیگر جمعیت امام علی است که گروه هدفش دانشجویان است و به‌منظور جلب مشارکت آن‌ها همایش‌های دانشجویی برگزار می‌کند. برخی از این ان‌جی‌اوها از خدمات رسانه ملی در معرفی خود استفاده می‌کنند. شرکت در برنامه‌های پربیننده تلویزیونی همچون ماه عسل، خندوانه و ویتامین سه برای برخی از این مؤسسات بسیار معتبر بوده

است و همچنین امکان جلب حمایت و مشارکت مردمی را افزایش داده است، اما استفاده از تلویزیون برای تبلیغات و معرفی خدمات، برای همه سازمان‌های غیردولتی فراهم نیست و در عین حال، انعکاس آسیب‌های اجتماعی موضوع فعالیت این نهادها در رسانه ملی، با انتقاد سایر انجی‌اوهای مشابه همراه بوده است که به زعم آن‌ها منعکس‌کننده شرایط واقعی گروه‌های آسیب‌دیده نیست.

معرفی انجی‌اوها در رسانه ملی و فرصت‌دادن به آن‌ها برای معرفی خدمات و راه‌های همکاری و مشارکت مردمی با آن‌ها، بی‌شک تعاملی برد-برد است، زیرا هم انجی‌اوها از خدمات و حمایت‌های مردمی بیشتری بهره می‌برند و هم مشارکت مردم در امور شهری و آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. همچنین، حمایت، همراهی و مشارکت مردم در سازمان‌های غیردولتی موجب موفقیت و شناخته‌شدن آن‌ها در سطح مناطق شهری می‌شود و در برخی موارد قدرت مانور و بسیج افکار عمومی را برای آن‌ها فراهم می‌کند که به افزایش قدرت چانه‌زنی آن‌ها در مقابل نهادهای دولتی یا شهرداری منجر می‌شود.

سازمان‌دهی درونی سازمان‌های مردم‌نهاد

ساختار درونی انجی‌اوها نشانگر رویکرد آن‌ها به توسعه و مشارکت است. در بیشتر سمن‌های مورد مطالعه، یک یا دو نفر تصمیمات اصلی را می‌گیرند و کارمندان به‌ندرت در تصمیمات مشارکت می‌کنند. به مشارکت اعضا فقط در مؤسسه باهمستان توجه شده است. در این زمینه، یکی از مسئولان مؤسسه یادشده بیان کرده است: «برای ما خیلی مهم بود که انجی‌او ما مبتنی بر اعضا باشد و برای همین ما عضویت را مهم‌ترین عامل در باهمستان می‌دانیم. هیئت‌مدیره دقیقاً توسط اعضا انتخاب می‌شوند... تیم اجرایی کاملاً مستقل از هیئت‌مدیره است، چون باز اتفاق دیگری که می‌افتد این است که همه همه‌کاره هستند. رئیس هیئت‌مدیره خودش مدیرعامل هم است. در واقع، اعضا وقتی هیئت‌مدیره را انتخاب می‌کنند از آن‌ها می‌خواهند که به تیم اجرایی نظارت داشته باشند. وقتی عامل اجرا و ناظر یکی باشد، دیگر نظارتی وجود ندارد...»

در بیشتر انجی‌اوها، مراجعان فقط خدمات دریافت می‌کنند، اما در برخی موارد مددجویان با گذراندن دوره‌هایی در مؤسسه مشغول می‌شوند و به کسانی کمک می‌کنند که درگیر مسائلی از جنس خودشان هستند؛ برای مثال، در مؤسسه احیا، مادران حامی سلامت پس از گذراندن دوره آموزشی و شرکت در کلاس‌های توانمندسازی مؤسسه می‌توانند به‌عنوان تیم اطلاع‌رسانی در

پیشگیری و آموزش بیماری HIV با مؤسسه همکاری کنند. در جمعیت امام علی نیز بیان شد: «از اساس یکی از اصلی‌ترین اهداف ما تبدیل مددجو به مددکار است و این مسئله در حد بالایی تحقق پیدا کرده است.»

نبود ارتباط مثبت و مؤثر میان ان‌جی‌اوهایی که در حوزه‌ای مشترک به فعالیت مشغول‌اند، از عوامل کاهش بهره‌وری میان آن‌هاست. در مصاحبه با مسئولان ان‌جی‌اوها، زیر سؤال بردن فعالیت سایر سازمان‌های مردم‌نهاد برای نشان‌دادن دقت و عملکرد مثبت خود امری تقریباً رایج بود. به‌علاوه، در چنین مناسباتی، نیروهای داوطلب و فعال در هر ان‌جی‌او، نه تنها وارد همکاری و مشارکت با یکدیگر نمی‌شوند، بلکه فضای رقابتی و موازی‌کاری میان آن‌ها به‌وجود می‌آید.

همکاری و مشارکت بین ان‌جی‌اوها با حکمرانی شهری و بخش دولتی

همکاری بین دولت و نهادهای شهری با سازمان‌های مردم‌نهاد موجب هم‌افزایی ظرفیت‌های آن‌ها می‌شود. بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد مورد بررسی تعاملاتی همچون مشاوره، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی را با شهرداری و بخش دولتی تجربه کرده‌اند، اما از این تعاملات رضایت چندانی نداشته‌اند؛ برای مثال، مسئول روابط عمومی یکی از ان‌جی‌اوها گفت: «شکل کاری که اونجا انجام می‌شه خیلی فرق می‌کنه. اونجا یک ارگان دولتی، کارمندهایی هستند که خیلی برایشان اهمیت نداره این پروژه به چه نتیجه‌ای می‌رسه. فقط انجام گرفتن اهمیت داره. به خاطر همین ما خیلی نتایج خوبی ندیدیم. بیشتر جلسه‌محور بوده... مثلاً تو ستاد سمن‌ها باهاشون همکاری کردیم و واقعاً فقط وقت ما را تلف می‌کردند. اصلاً هیچ دستاورد خاصی نداشت. من فکر می‌کنم فقط یک انرژی و بودجه و زمان تلف شد.»

یکی دیگر از ان‌جی‌اوها دربارهٔ تعامل با سازمان‌های دولتی و شهرداری گفت: «اساساً ما با بخش دولتی ارتباط خاصی نداریم. بخش‌های دولتی اراده‌ای که برای حل این معضلات لازم است از خود نشان نمی‌دهند و ما هم به‌جز هماهنگی برای گرفتن یک سالن یا اجازهٔ یک بیلبورد کار دیگری با شهرداری هم نداریم.»

در ارتباط میان ان‌جی‌اوها با دولت و حکمرانی شهری تناقضی وجود دارد. از یک طرف، دولت و سازمان‌های رسمی از نهادهایی که ممکن است با سیاست‌های آن‌ها اختلاف داشته باشند، حمایت نمی‌کنند و از طرف دیگر یکی از نقش‌های مهم سازمان‌های غیردولتی نشان‌دادن خلأهای قانونی و ساختاری و تلاش برای تغییر دادن سیاست‌های دولت در راستای کمک بیشتر به

آسیب‌دیدگان است تا مسائل و مشکلات اجتماعی نه به‌طور محدود و مقطعی، بلکه به‌طور ساختاری و کلان‌قابل‌رفع و اصلاح باشد؛ برای مثال، از اهداف سمن‌های فعال در منطقه ۱۲ تهران (کوشا و جمعیت امام علی)، مدیریت آسیب‌های اجتماعی در راستای کاستن از حجم و شکل‌های متنوع و مخرب آن‌هاست. مشکلات محله دروازه غار (هرندی) و امام‌زاده یحیی در این منطقه چنان وسیع و عمیق است که مداخلات سطح خرد سازمان‌های مردم‌نهاد به‌تنهایی راه به جایی نمی‌برد. درحقیقت، ارگان‌های دولتی و شهری در دغدغه و اهداف با سمن‌ها همسویی ندارند. هرچند شهرداری اهمیت حضور در محلات و ایجاد نظام مدیریت غیرمتمرکز را درک می‌کند، درعمل ملزومات جلب مشارکت و همکاری، چه با سمن‌ها و چه با مردم محلی را فراهم نمی‌کند. حدود یک دهه است که در نتایج تحقیقات مختلف (خادمیان و قناعتیان، ۱۳۸۷، ازکیا و محمدی بندری، ۱۳۹۰؛ شیعه و همکاران ۱۳۹۱؛ پروین و همکاران، ۱۳۹۲؛ ارشد و درویشی‌فرد، ۱۳۹۳) و همچنین در نتایج فعالیت سمن‌های درگیر در منطقه ۱۲، درمورد افزایش خروج ساکنان قدیمی و افزایش ورود مهاجران کم‌درآمد، معتادان و طردشدگان اجتماعی به این منطقه هشدار داده شده است و تلاش شده است توجه مسئولان به بافت فرسوده و ساختمان‌های مخروبه - که عامل تشدیدکننده این روند نزولی است - جلب شود. درنهایت، در سال‌های اخیر طبق مصاحبه‌ها، گونه‌های متفاوت و ناهمگونی از ترکیب‌های قومی و جمعیتی به همراه آسیب‌های اجتماعی متنوع در محدوده فعالیت سمن‌های فعال در این منطقه گسترش یافته است و ساختمان‌های قدیمی، مخروبه و رهاشده که مسکن ارزان‌قیمت را برای گروه‌های آسیب‌دیده فراهم می‌کند، همچنان باقی ماندند. براساس تحقیق ارشد و درویشی‌فرد (۱۳۹۳)، نظارت‌های رسمی و انتظامی در محله هرندی کم است و درواقع ابعاد وسیع آسیب‌های اجتماعی و ازبین‌رفتن قبح آسیب‌ها در سطح این محله، امکان نظارت مستمر از سوی پلیس را از بین برده است و نظارت غیررسمی نیز به‌دلیل درگیری اغلب ساکنان با آسیب اجتماعی مقدور نیست. در این میان، سمن‌ها و شورایی این محله، بدون مشارکت با سازمان‌های دولتی و شهری قادر به بسیج نیرو و منابع لازم به‌منظور کاستن و رفع مشکلات نیستند و فقط خدماتی را در سطح محدود و فردی ارائه می‌دهند.

دو ارگان بهزیستی و آموزش و پرورش به‌لحاظ نزدیکی با فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، بیش از دیگر ارگان‌های دولتی مورد توجه و مراجعه سمن‌ها هستند. وزارت بهداشت و درمان، معاونت امور زنان ریاست جمهوری، وزارت کار و وزارت ارشاد از دیگر سازمان‌های دولتی هستند که ان‌جی‌اوها وارد تعامل و چانه‌زنی با آن‌ها شدند. درکل، ایجادشدن مشکل در روند کارها و صدور

مجوزهای مورد نیاز از سوی شهرداری و بخش دولتی، از نظر سازمان‌های مردم‌نهاد نوعی «تعامل مثبت» محسوب می‌شود.

همچنین، سمن‌ها بر این مشکل به‌طور مکرر تأکید کردند که سازمان‌های مردم‌نهاد از طرف نهادهای رسمی چندان جدی گرفته نمی‌شوند. کمیته پیگیری خانه‌های تاریخی در این زمینه گفت: «وقتی شهرداری طرح ارتقای کیفیت منطقه ۱۲ را می‌نویسد، باید ان‌جی‌اوهای تخصصی حضور داشته باشند. ما می‌توانیم راهگشا باشیم. می‌توانیم بگوییم این درست است این غلط است. اینجا تر شما جواب نمی‌دهد. ما در تقابل با مدیریت شهری نیستیم و با وجود اینکه نقدهایی به آن‌ها داریم می‌توانیم به آن‌ها کمک کنیم که در یک فضای برد-برد هم ما به مطالباتمان برسیم و هم آن‌ها». عدم همکاری میان سازمان‌های مردم‌نهاد با ارگان‌های دولتی و شهری موجب تحلیل‌رفتن تلاش‌های همسو و خنثی‌شدن آن‌ها توسط یکدیگر و درنهایت اتلاف منابع می‌شود.

تعامل مردم محلی و شورایاری‌ها

شورایاری‌ها برای پرکردن شکاف بین شهروندان با نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری تأسیس شدند. براساس مصاحبه‌ها، مشارکت شهری به‌صورت مذاکره اهالی محله با شورایاران درباره مشکلات آب، برق، روشنایی و نظافت خیابان‌ها، آسفالت خیابان، مسائل زیباسازی و خدمات شهری وجود دارد. همچنین، شورایاران در زمینه نامه‌نگاری به ستاد هماهنگی شورایاری‌ها و گاهی جمع‌کردن استشهاد محلی همکاری می‌کنند. درواقع، الگوی رایج در تعامل مردم با شورایاری، بردن مشکلات شهری از یک طرف و ارجاع به مقامات بالاتر از سوی دیگر است. با این حال، اعضای شورایاری محلات مختلف به‌طور مکرر در مصاحبه‌های خود ابراز کرده‌اند که مشکلات مهم و اساسی این محلات مدت‌ها وجود داشته است و نامه‌نگاری و اعتراض به مقامات هم راه به جایی نبرده است. درواقع، مشکلاتی مثل اعتیاد، کارتن‌خوابی، فقر و کودکان کار مسائلی نیستند که مردم یا حتی سمن‌ها به‌تنهایی قادر به رفع آن‌ها باشند. این مسائل اغلب بدون حل شدن به حاشیه می‌روند؛ برای مثال، به چند نمونه اشاره می‌شود:

«مردم می‌دونند که هیچ فایده‌ای نداره... مردم بارها اومدند و مشکلات رو به ما گفتند ما هم انتقال دادیم، اما کسی گوش نمی‌ده و... هیچ نظارتی نیست» (دبیر شورایاری محله نیلوفر).

«ما یک خیابان داریم که روشنایی ندارد. الان ۱۰ ساله داریم با اداره برق و ارگان‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کنیم تا روشنایی بیاورند. مردم می‌گویند ما صد دفعه گفتیم، گوش نکردند دیگه

مریضم مگه برم؟! وقتی بی‌اعتمادی میاد، مردم مشارکت نمی‌کنند. ما مشکلات را پیگیری می‌کنیم، نامه می‌نویسیم بعد از یک سال جواب می‌دهند که ما بودجه نداریم. ما هم کاری نمی‌تونیم بکنیم» (دبیر شورایاری محله عباسی).

به این ترتیب، مردم راه‌حل‌های فردی برای مشکلات اجتماعی پیدا می‌کنند و در نتیجه نه تنها همبستگی‌ای در راستای حل مشکل مشترک میان مردم محلی ایجاد نمی‌شود، بلکه ساکنان روزه‌روز از یکدیگر دورتر می‌شوند و محلات از افرادی ایزوله تشکیل می‌شود که به دنبال نفع فردی و نجات شخصی هستند. از جمله راه‌حل‌های فردی این بوده است که آن دسته از ساکنان قدیمی محلات هرندی، امامزاده یحیی و عباسی که به لحاظ پایگاه اقتصادی توانایی مهاجرت داشتند، محله را ترک کردند. همچنین، در تمام محلات مورد مطالعه، مراجعه به شورایاری برای امور فردی مثل گرفتن تأییدیه سکونت در محله برای ثبت نام فرزندان در مدرسه یا موارد مشابه، فراوانی بالاتری دارد.

وقتی از شورایاران درباره اعتماد و باور مردم به شورایاری پرسیده شد، دبیران شورایاری محلات قزل‌قلعه، یوسف‌آباد، عباسی و راه‌آهن، اعتماد مردم محلی به خود را زیاد دانستند، چراکه سابقه طولانی فعالیت داشتند و از ساکنان قدیمی همان محل بودند.

«مردم به همه اعضای شورایاری اعتماد ندارند. در دوره اول، همه محلی بودند. دوره دوم برخی از محلات دیگر آمدند به این محله و رأی آوردند و کاری هم برای مردم انجام ندادند. مردم آن‌ها را می‌بینند و اعتمادشان کم می‌شود. شورایاری‌ها باید از معتمدان محل باشند که مردم قبولشان داشته باشند. اکنون سن شورایارها پایین آمده است و سطح تحصیلات افزایش یافته است، ولی این‌ها کارایی ندارند. شاغل هم هستند و وقت نمی‌کنند درگیر مشکلات محله شوند» (شورایار محله عباسی).

بر اساس مصاحبه با اعضای شورایاری، اعتماد به شخص بیش از اعتماد به سیستم است. اگر پایین‌ترین نقطه اتصال و دسترسی مردم به نظام شهری، اعضای شورایاری محسوب شود، می‌توان گفت شهروندان به برخی از نقاط دسترسی به سیستم، یعنی برخی از شورایاران هم محلی و قدیمی اعتماد دارند، اما این اعتماد را به کل سیستم و نظام شهری تعمیم نمی‌دهند. این نقاط دسترسی مثبت در اعتماد به سیستم شهری زمانی بسیار تأثیرگذار است که نظام حکمرانی شهری به جایگاه شورایاران بهای بیشتری دهد و با تشریک مساعی، اعتماد مردم محلی به این افراد را به نقش آن‌ها به عنوان شورایار گسترش دهد.

درکل، شورایاران از شناخت کم مردم درباره جایگاه شورایاری و وظایف خود آگاه بودند: «در مجموع، فکر می‌کنم حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از مردم تهران از وجود شورایاری و وظایف آن‌ها

آگاه باشند» (شورایاری راه‌آهن). این شناخت کم به‌علاوه امکان‌نداشتن پیشبرد مسائل بدون همکاری با مقامات بالاتر شهرداری و دولت، جایگاه شورایاری را تضعیف کرده است. با همه این مسائل، وقتی از شورایاران پرسیده شد به حضور در دوره‌های آینده شورایاری تمایل دارند، همه آن‌ها به‌جز یکی با اطمینان پاسخ مثبت دادند. برخی از دلایل یادشده در زمینه حضور مجدد عبارت‌اند از: «شورایاری قدرتی دارد که برای حل مشکلات به آن نیاز است»، «سال‌ها سهیم‌بودن در خیر و شر مردم محله، علاقه به حضور را ایجاد می‌کند» و «علاقه به تمام‌کردن کارهای نیمه‌کاره‌ای که از دوره‌های قبل باقی مانده است».

شیوه‌های جلب مشارکت مردمی در میان شورایاران نیز الگوی مشابهی دارد که شامل برگزاری جشن‌های مختلف، برگزاری جلسات مردمی در مسجد، تقدیر و تشکر از کسبه و ورزشکاران نمونه و برگزاری کلاس‌های مختلف در سرای محله می‌شود. همه این‌ها اقدامات موقت‌اند و طبق مصاحبه‌ها، هرچند مردم از برگزاری جشن و گفت‌وگو درباره مشکلات خود در حضور مسئولان استقبال می‌کنند، این شیوه مشارکت‌پایداری ایجاد نمی‌کند. مصاحبه‌ها نشان می‌دهد مشارکت‌های مردمی و کار داوطلبانه، چه در سمن‌ها و چه در شورایاری‌ها، مشارکتی دوره‌ای و ایزودیک است که شاید اصلی‌ترین دلایل آن بی‌اعتمادی و تمرکز ابزارهای قدرت در دست حکمرانان شهری و دولتی باشد.

پتانسیل محلات از دید شورایاران

پاسخ شورایاران در زمینه پتانسیل و ظرفیت محله در راستای ایجاد تغییرات مثبت در جدول ۳ می‌آید. براساس پاسخ‌ها، اغلب شورایاران ذهنیت روشنی درباره جلب مشارکت مردم محلی در امور مرتبط با محله ندارند. سالمندان در محله قزل‌قلعه، پتانسیلی برای مشارکت و در محله یوسف‌آباد نقطه‌ضعف محسوب شده‌اند. افزایش امکانات از جمله توسعه اقتصادی محله و برپایی ورزشگاه‌ها و امکانات تفریحی از جمله مواردی بود که در راستای تغییر مثبت محله از آن‌ها یاد شد. این موارد بیشتر به جلب همکاری شهرداری و نهادهای دولتی معطوف است تا مردم محلی. رویکرد غالب در بین شورایاران، توسعه امکانات سخت‌افزاری و خدمات عمومی است. درواقع، نزدیک‌ترین مفهومی که درباره مشارکت در ذهن شورایاران وجود دارد، مشارکت در پروژه‌ها و برنامه‌های شهری است.

به این ترتیب، نهاد شورایاری‌ها که زمانی رکن ثابت مشارکت محلی تلقی می‌شد، آرام‌آرام به یک نهاد حکمرانی شهری تبدیل شده است که کارکردش در گرو فراهم‌کردن زیرساخت‌ها و خدمات شهری است. از این‌رو، شورایاری‌ها بیش از آنکه بازنمای سازوکار «مشارکت از پایین» باشند، به

سمت گونه‌ای «مشارکت از بالا» در حال حرکت‌اند. این حرکت به سوی مشارکت از بالا مانعی جدی در برابر ایده اصلی مشارکت، یعنی تشکیل یابی مردم محلی در قالب گروه‌ها و اصناف تلقی می‌شود. گویی دوباره پیوند نهادی مردمی با بدنه محلی خود گسسته شده است. هرچه پیوند این نهاد با بدنه مردمی بیشتر گسسته شود، بر نزدیکی آن با نهادهای قدرت بالادست افزوده می‌شود.

جدول ۳. ظرفیت محلات از دید شورایاران

محلات	پتانسیل در راستای تغییر مثبت با مشارکت مردم محله
قزل‌قلعه	سالمدان پتانسیل محله‌اند که برای مشارکت آماده‌اند، زیرا زندگی آن‌ها با مشارکت در کارها بامعناتر می‌شود و وقتی از آن‌ها مشارکت می‌خواهیم در آن‌ها شور و هیجان ایجاد می‌شود.
یوسف‌آباد	در محله پتانسیل لازم وجود ندارد، زیرا اهالی آن قشر ضعیف و سالمند هستند و نمی‌توانند در پروژه‌های عظیم و پرهزینه شرکت کنند و فقط می‌توانند در حد پروژه‌های کوچک مانند خیریه‌های چند نفری فعالیت داشته باشند.
بهار	این محله در مرکز شهر است و دو قسمت تجاری بزرگ دارد. یکی تأسیسات و یکی پوشاک بچه که در بهار جنوبی است. رشد این دو به توسعه محله کمک می‌کند.
عباسی	تسهیل رفت‌وآمد در محله و خارج‌شدن محله عباسی از حالت ایزوله و تسهیل حمل‌ونقل عمومی. در سطح محله‌ما، نخبگان ورزشی و المپیادی وجود دارد، ولی اصلاً به آن‌ها اهمیت نمی‌دهند.
راه‌آهن	معتمدان و شورایاران مشکلات مردم محله را حل می‌کنند که این مسئله مستلزم اعتماد مسئولان بالاتر به ماست.
هرندی	ما هیچ اسپانسر در این محله نداریم. هیچ مجموعه ورزشی‌ای هم در اینجا تأسیس نمی‌کنند. اگر اینجا یک حوزه علمیه یا دانشگاه تأسیس می‌شد، رفت‌وآمدها تغییر می‌کرد. اگر یک مجموعه ورزشی خوب داشتیم، کاربری اینجا تغییر می‌کرد. اما این حمایت‌ها وجود نداشته است.
امام‌زاده یحیی	در این محله، نوجوانان و جوانان مستعد و علاقه‌مند به ورزش زیادند. راه‌حل بسیاری از مشکلات در ایجاد مجموعه‌های ورزشی و کتابخانه‌ها و امکانات دسترسی به تفریحات سالم و همچنین کارآفرینی برای آن‌هاست. نوجوانان به‌ناچار سراغ تفریحاتی می‌روند که کم‌خرج‌تر و آسان‌تر و سهل‌الوصول‌تر باشد و متأسفانه گذراندن اوقات فراغت در قهوه‌خانه و قلیان‌سرا برای آن‌ها هم بسیار کم‌خرج‌تر از رفتن به باشگاه ورزشی است و هم راحت‌تر.

رابطه شورایاری با سازمان‌های مردم‌نهاد

طبق مصوبه شورای شهر تهران^۱، شورایاری و سازمان‌های مردم‌نهاد محلی باید در زمینه مشارکت‌های

۱. در تاریخ ۱۳/۰۸/۱۳۸۸، شهرداری تهران مکلف شد در زمینه تشکیل کمیته ساماندهی مشارکت‌های اجتماعی در محلات تهران (هیئت امنای محلات)، با شرکت افراد زیر اقداماتی انجام دهد: تمامی اعضای اصلی شورایاری، نمایندگان تشکلهای و گروه‌های فعال مثل گروه‌های داوطلب محلی و کارگروه‌های تخصصی مردمی، نمایندگان نهادها و دستگاه‌های دولتی که در سطح محله خدمات‌رسانی می‌کنند و نماینده ثابت و آگاه شهرداری تهران (سامانه قوانین شورای اسلامی شهر تهران).

اجتماعی در سطح محله با یکدیگر تعامل و همکاری داشته باشند، اما در بیشتر محلات مورد بررسی تعامل سازنده و مؤثری میان این دو بخش مشاهده نشده است. در بعضی از محلات مثل قزل‌قلعه، بهار و راه‌آهن این ارتباط فقط در حد شناخت شورایاری از موجودیت چند سازمان مردم‌نهاد در آن منطقه بوده است و در برخی دیگر از محلات مثل یوسف‌آباد، نیلوفر، عباسی، هرندی و امام‌زاده یحیی این ارتباط به‌شکل حضور نماینده‌ی یکی از ان‌جی‌اوها در جلسات شورایاری، برگزاری جشن‌های مشترک و در بهترین حالت، در محله امام‌زاده یحیی، همکاری میان شورایاری با ان‌جی‌اوه‌ای فعال در زمینه کارآفرینی برای افراد نیازمند و برگزاری کلاس‌های آموزشی بوده است.

در اینجا، باید بین اقدام مردم محلی و اقدام در محله تمایز قائل شد. ارتباط میان شورایاری با سمن‌های فعال در منطقه ۱۲ (محلات امام‌زاده یحیی و هرندی) - که جزء تعاملات تقریباً مثبت‌تر محسوب می‌شود - اقدام در محله است؛ یعنی کارکنان سمن‌ها که فقط مردم محلی نیستند، در راستای رفع مشکلات محله با اعضای شورایاری وارد تعامل می‌شوند. ساکنان محلی مشارکت زیادی ندارند. در محلات هرندی و امام‌زاده یحیی، جلب مشارکت مردمی به‌دلیل مهاجرت ساکنان قدیمی و جایگزینی آن‌ها با مهاجران و اقشار کم‌درآمد و آسیب‌دیده که احساس تعلق محلی ندارند، دشوار است. در این میان، کثرت مشکلات این محلات، نهادهای دیگر مثل سمن‌ها و شورایاری را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با اتکا به روش‌های موجود در اداره امور شهری که در آن بیشتر به مسائل درون‌سازمانی توجه می‌شود و از پذیرش و همکاری با دیگر بخش‌ها و نهادها غفلت می‌شود، نمی‌توان به تحقق الگوی حکمرانی شهری امیدوار بود. در برنامه‌ریزی‌های شهری دستیابی به شناخت و اطلاعات صحیح از مناطق و محلات شهری اولویت اول را دارد. این شناخت با دخیل کردن سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان نیروهای مردمی درگیر در سطح شهر، به‌صورت بهینه به‌دست می‌آید. شورایاری به‌عنوان نهادی که ارتباط سطوح پایین شهری را با سطوح بالاتر برقرار می‌کند، نیازمند انسجام و همگرایی درونی است؛ یعنی شورایاران محلات یک ناحیه باید با یکدیگر همکاری نزدیک داشته باشند تا با توجه به نیاز محلات بتوانند طرح‌هایی را ارائه دهند که برای تمام محلات سودمند است و بین برنامه‌ریزی در سطوح محلی و شهری پیوند برقرار می‌کند. همچنین، شورایاران برای جلب مشارکت محلی نیازمند آموزش و آگاهی هستند.

یکی از راه‌های افزایش تعلق به فضاهای شهری و به‌ویژه هویت محلی، درگیرکردن و مشارکت دادن مردم در سازوکارهای شهری است، اما همان‌طورکه پیش‌تر اشاره شد از یک‌طرف کالایی‌شدن زمین و شکل‌گیری دوگانه بالاشهر- پایین‌شهر و از طرف دیگر بی‌سازمانی اجتماعی برخی محلات (به‌طور مشخص محلات تاریخی منطقه ۱۲) موجب می‌شود ساکنان قدیمی با کسب سرمایه بیشتر به خانه‌های مناطق بهتر و بالاتر شهر نقل مکان کنند و در نتیجه این مهاجرت‌ها احساس تعلق محلی کمرنگ شود. با ازبین‌رفتن احساس تعلق مکانی، افراد از یک‌طرف انگیزه و احساس مسئولیت کمتری در قبال بهبود محیط سکونت خود دارند و از طرف دیگر، سرمایه اجتماعی محلی یعنی تعامل متقابل بین ساکنان و همچنین بین آن‌ها و مدیریت شهری کاهش پیدا می‌کند. به‌این‌ترتیب، دو دارایی مهم اجتماعات محلی یعنی تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی که بر تمایل به مشارکت ساکنان در بهسازی محله مؤثرند، از این محلات گرفته می‌شود.

معضل دیگر در پیشبرد پروژه‌های مشارکتی این است که مردم احساس می‌کنند قدرت تغییر ندارند و درعمل درگیری آن‌ها در امور شهری بی‌فایده است. در این میان، نقش سازمان‌های واسط غیردولتی در زمینه قدرت‌مندکردن مردم برای مشارکت و عمل- همان‌طورکه در نمونه تایلند نشان داده شد- بسیار پررنگ است.

عامل بی‌اعتمادی معضل کلیدی مورد اشاره تمام شورایاران بوده است؛ یعنی بی‌اعتمادی مردم به مسئولان و به‌ویژه شهرداری، بی‌اعتمادی مردم به یکدیگر و بی‌اعتمادی بین شهرداری و شورایاری. بدیهی است اگر سطح اعتماد بین فردی و اعتماد نهادی پایین باشد، احتمال کنش جمعی هدفمند و مشارکت مؤثر کاهش می‌یابد.

منابع

- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۲)، «آموزش و پژوهش مدیریت شهری: حکمروایی شهری و پژوهش شهری»، *مجله مدیریت شهری*، شماره ۱۵ و ۱۶: ۵۲-۵۹.
- _____ (۱۳۸۶)، «حکمرانی شهری، نگاهی نو به اداره امور شهرها»، *مجله شوراها*، شماره ۱۱: ۱۶-۲۰.
- ارشد، لیلی و درویشی‌فرد، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، «بی‌سازمانی اجتماعی و امکان شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی: محله هرندی)»، *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی*، شماره ۱: ۱۰۳-۱۳۶.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۷۷)، *اینجا طهران است*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ازکیا، مصطفی و محمدی بندری، زینب (۱۳۹۰)، «بازتعریف مفاهیم محله و محله آرمانی از دید

ساکنان شهر تهران (محل‌های آریاشهر، تهران‌پارس و امامزاده یحیی)، «مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۳: ۷-۲۴.

- بیات، آصف (۱۳۹۰)، زندگی همچون سیاست: چگونه مردم عادی خاورمیانه را تغییر می‌دهند؟، ترجمه فاطمه صادقی، چاپ اینترنتی.
- پروین، ستار؛ کلاتری، عبدالحسین؛ صفری، محمدرحیم و مرادی، علیرضا (۱۳۹۲)، «مهاجرت درون‌شهری و امکان شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی (مطالعه موردی محله دروازه غار)»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۵: ۱۰۷-۱۳۰.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۹)، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران (جلد سوم): از ویرانی دارالخلافه ناصری تا پایان دوره پهلوی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- خادمیان، طلیمه و قناعتیان، زهرا (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد زنان معتاد به مواد مخدر در مراکز بازپروری (مرکز خانه خورشید)»، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۴: ۵۹-۸۶.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، «مشارکت اجتماعی وسیله یا هدف توسعه»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۱ و ۱۱: ۵۴-۶۳.
- سند توسعه محله امامزاده یحیی (۱۳۹۱)، شهرداری منطقه ۱۲، ناحیه دو.
- سند توسعه محله بهار (۱۳۹۱)، شهرداری منطقه ۷، ناحیه سه.
- سند توسعه محله عباسی (۱۳۹۱)، شهرداری منطقه ۱۱، ناحیه سه.
- سند توسعه محله قزل‌قلعه (۱۳۹۱)، شهرداری منطقه ۶، ناحیه چهار.
- سند توسعه محله نیلوفر (۱۳۹۱)، شهرداری منطقه ۷، ناحیه چهار.
- سند توسعه محله هرنودی (۱۳۹۱)، شهرداری منطقه ۱۲، ناحیه چهار.
- سند توسعه محله یوسف‌آباد (۱۳۹۱)، شهرداری منطقه ۶، ناحیه شش.
- شیعه، اسماعیل؛ زرآبادی، زهرالسادات و یزدان‌پناهی، ملیسا (۱۳۹۱)، «بررسی و تبیین مفهوم محله سالم در محلات سنتی (محله امامزاده یحیی)»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۷: ۱-۲۰.
- صادقی، فاطمه (۱۳۹۲)، «از رعیت تا شهروند: در ایران مردم وجود نداشت»، ماهنامه الکترونیکی شبکه آفتاب، ۱۲ اسفند ۱۳۹۲ قابل‌دسترسی در: <http://yon.ir/L5II>
- طهماسبی، سهیلا (۱۳۸۶)، «تجاری از مشارکت شوراها و سازمان‌های مردم‌نهاد»، مجله شوراها، شماره ۹: ۹-۲۶.
- کلاتری، عبدالحسین و پروین، ستار (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر وضعیت شاخص‌های توسعه پایدار شهری در تهران»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱۴: ۳۳۳-۳۵۷.

- لاله‌پور، منیژه (۱۳۸۶)، «حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه»، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰: ۶۰-۷۱.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱)، تهران ظهور یک کلان‌شهر، ترجمه حمید زرآزوند، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- موسایی، میثم (۱۳۸۶)، طراحی الگوهای مشارکت شهروندان در امور شهری، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران.
- Hajer, Marten & Reijndorp, Arnold (2001), **In Search of New Public Domain**, Nai Publishers, Rotterdam.
- Devine, Joe (2006), **Community-based organization- new fed or old hat?**, Oxford: Oxford University Press and Community Development Journal.
- Nuttavuthisit, Krittinee, Pavitra Jindahra and Pattarawan Prasarnphanich (2014), **Participatory community development: evidence from Thailand**, Oxford: Oxford University Press and Community Development Journal.
- Lefebvre, Henri (1991), **The Production of Space**, trans. Nochilson- Smith, Donald. Oxford: Wiley-Blackwell.
- Massey, Doreen (1994), **Space, Place and Gender**, Cambridge: Polity Press
- Edward W. Soja (1989), **Postmodern Geographies: The Reassertion of Space in Critical Social Theory**, New York: Verso.
- Harvey, David (1982), **The Limits to Capital**, Oxford: Basil Blackwell